

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ میانجیگری عمان و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا، نمایانگر رویکردی عمل‌گرایانه و استراتژیک برای تقویت ثبات منطقه‌ای است. عمان با سابقه‌ای درخشان در دیپلماسی بی‌طرفانه، از طریق میزبانی مذاکرات غیرمستقیم در مسقط و رم، فضایی برای گفت‌وگو فراهم کرده و با ارائه ایده‌های ابتکاری، مانند چارچوب‌های موقت برای رفع تحریم‌ها، به کاهش تنش‌ها کمک کرده است. کشورهای عربی، به‌ویژه قطر، با حمایت از حصول توافق، منافع خود را در جلوگیری از درگیری‌های منطقه‌ای و تقویت همکاری‌های اقتصادی با ایران می‌بینند. این حمایت، ریشه در درک عمیق این کشورها از پیامدهای مخرب شکست دیپلماسی، از جمله تشدید تقابل نظامی و بی‌ثباتی اقتصادی دارد. با این حال، موفقیت این میانجیگری به توانایی عمان در ایجاد توازن بین فشارهای آمریکا و مواضع قاطع ایران در حفظ حق غنی‌سازی بستگی دارد. آینده این تلاش‌ها، که در دور ششم مذاکرات آرموده خواهد شد، می‌تواند الگویی برای دیپلماسی منطقه‌ای باشد. از این رو و برای ارزیابی بهتر کارنامه عمان و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در مذاکرات هسته‌ای به گفت‌وگویی با محمداصلح صدقیان، رئیس مرکز عربی مطالعات ایران و کارشناس ارشد مسائل خاورمیانه و جهان عرب، نشست‌ایم که مشروح این کپ‌وگفت را در ادامه می‌خوانید.

● ● ●

❧ در آستانه دور ششم از مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا، اکنون موضوع پیشنهادات عمان برای تداوم گفت‌وگوها به کانون توجه رسانانه‌ای، سیاسی و تحلیلی تبدیل شده است. فارغ از جزئیات این پیشنهادات، به باورتان اساسا مسقط دارای آن میزان از وزن ژئوپلیتیک و دیپلماتیک هست که بتواند پیشنهادهائی برای کلان‌تنش تهران واشنگتن دربرونده حساسی مانند هسته‌ای ارائه کند؟

بله. اتفاقا عمان تجربه کاملا موافقی در حوزه مذاکرات بین ایران و آمریکا و مشخصا در پرونده هسته‌ای دارد. یک تجربه موفق عمان در سال ۲۰۱۵ و زمان حصول توافق برجام بود و مسقط این تجربه موفق را در سطح مذاکرات و شکل مذاکرات دارد و در آن برهه نیز هم طرف ایرانی و هم طرف آمریکایی از میانجیگری عمانی‌ها کاملا رضایت داشتند و نتیجه آن هم توافق سال ۲۰۱۵ بود.

❧ ببیزیریم فضای سیاسی منطقه و از همه مهم‌تر ساختار سیاسی عمان تغییر کرده است. آیا به باورتان هینم بن طارق، سلطان قابوس و بدرالبوسعیدی، مانند یوسف بن‌علوی خواهد بود که بخواهیم به سال ۲۰۱۵ استناد کنیم؟

به نکته بسیار مهمی اشاره کردید؛ اتفاقا جناب آقای بدرالبوسعیدی، وزیر امور خارجه فعلی عمان، سال‌ها مشاور و رئیس دفتر یوسف بن‌علوی بود. بله نکته شما کاملا درست است و آقای یوسف بن‌علوی که یک سیاست‌مدار و دیپلمات کارگشته بود بیش از پنج دهه در کار سیاست خارجی بود. اما همان‌طورکه گفتیم نباید فراموش کنیم که آقای بدرالبوسعیدی

همکار نزدیک آقای یوسف بن‌علوی بود و مدتی هم رئیس دفتر ایشان بود. بنابراین آشنایی و قربابت خاصی به اندیشه‌ها، آرا و نظرات و دیپلماسی یوسف بن‌علوی دارد و سعی می‌کند همان مشی او را دنبال کند. شما می‌بینید در این پنج دور مذاکرات هسته‌ای بین ایران و آمریکا آقای بدرالبوسعیدی کاملا حرفه‌ای عمل کرده و تقریبا همان سیاست آقای یوسف بن‌علوی در دوره برجام را پیش گرفته است.

❧ به هر حال وزن عمان هم مطرح است. باز هم به سؤال نخست باز می‌گردم: آیا مسقط چنان جایگاهی دارد که بتواند با این پیشنهادها، مذاکرات را مدیریت کند؟

من هم گفت‌م عمان تجربه خوب و موافقی دارد. ضمنا فراموش نکنیم فعلا آن چیزی که مطرح شده، این است که اینها پیشنهادهای عمان نیست، بلکه پیشنهادهای آمریکاست که به طرف عمانی داده شده است. مضافا اینکه همه طرف‌ها اکنون می‌توانند پیشنهاد بدهند؛ کماینکه طرف ایرانی هم پیشنهادهائی دارد. طرف آمریکایی هم پیشنهادات خود را مطرح کرده و طرف عمانی و حتی ایتالیایی هم که دو دور میزبان مذاکرات بوده‌اند نیز می‌توانند پیشنهادی مطرح کنند. این موضوع ارتباطی به وزن دیپلماتیک آنها ندارد.

❧ چرا؟

چون همه بازیگران فارغ از جایگاه و وزنشان سعی می‌کنند با طرح ابتکارات و پیشنهادات خود به تداوم و پیشبرد مذاکرات کمک کنند. در عین حال باید گفت عمان تاکنون پنج دور میزبان مذاکرات بوده است. پس تنها کشوری که بیشترین اشراف را هم به خواسته‌های آمریکا دارد و هم از مواضع و خطوط قرمز ایران آگاهی دارد، فعلا عمانی‌ها هستند؛ بنابراین به نظر من هیچ کشوری به اندازه عمان نمی‌تواند اکنون ابتکار عملی برای مذاکرات داشته باشد.

❧ باز هم وزن عمان محل بحث است!

مسئله اینجاست که عمان سعی می‌کند بر مبنای یک راهبرد در مذاکرات عمل کند....

❧ و آن راهبرد چیست؟

این است که بتواند دیدگاه دو طرف ایرانی و آمریکایی را به هم نزدیک کند و یک نقطه بهینه یا اصطلاحا یک نقطه اتصال در مذاکرات به وجود آورد. بنابراین عمان می‌تواند در چارچوب پیشنهادهای ایران و آمریکا، ابتکارات خود را داشته باشد و این موضوع اصولی‌ری به وزن عمان نندارد. ضمن اینکه من با گفته شما موافق نیستم. عمان بازیگری است با وزن دیپلماتیک بالا؛ اینکه هم آمریکایی‌ها به مسقط اعتماد دارند و هم ایران عمان را یک دوست و همسایه نزدیک با روابط حسنه و عمیق

در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته می‌داند، تصدیقی بر وزن زیاد عمان است و همین موضوع باعث شده است که اکنون ایران بیش از هر کشور دیگری به عمان اعتماد کرده و میزبانی و وساطت مذاکرات را به مسقط سپرده است.

❧ در این معادلات مهم و شکننده هسته‌ای، سفر پزشکیان به عمان را چگونه می‌بینید؟

اتفاقا این سفر نشان می‌دهد که تهران تا چه اندازه به مسقط اعتماد دارد و به نظر من سفر آقای دکتر پزشکیان به عمان و دیدار با هشیم بن‌طارق می‌تواند نیروی تازه‌ای به مذاکرات بدهد. به هر حال رئیس‌جمهور ایران و پادشاه عمان می‌توانند روی آن بسته پیشنهادی که مطرح شده، اصطلاحا مذاکرات و رازینی خود را داشته باشند که ببینند می‌توانند به یک نقطه بهینه دست پیدا کنند. به هر حال طبق گفته آقای عراقچی ما اکنون در «حرفه‌ای‌ترین» دوره مذاکرات قرار داریم و اکنون هرگونه تحرک و جنب و جوش دیپلماتیک، چه از طرف ایران، چه از طرف عمان، چه از طرف آمریکا یا هر کشور دیگری می‌تواند به این مذاکرات کمک کند.

❧ پس شما هنوز به مذاکرات امیدوارید؟

بله من هنوز این امید را دارم که در چارچوب حس مسئولیت عمان و همچنین جدیتی که طرف ایرانی و حتی آمریکایی از خود نشان داده این مذاکرات ادامه پیدا کند. من باور دارم که ترامپ واقعا نمی‌خواهد این مذاکرات شکست بخورد. او هم به دیپلماسی بیش از گزینه‌های دیگر اهمیت می‌دهد.

❧ به این هم اشاره کنیم که واقعا عمان چگونه با تغییر ساختار سیاسی بعد از سلطان قابوس و بن‌علوی، ریل‌گذاری سیاست خارجی و داخلی خود را تغییر نداد و مشخصا همان مسیر سابق با ایران پیاده شد. آیا در قبال روابط تهران - مسقط، سایه دین عمانی‌ها در جنگ ظفار باعث شده است که این روابط در طول دهه‌های گذشته بدون هیچ تنشی ادامه پیدا کند یا موضوعات پارامترهای دیگری مطرح است؟

موضوع جنگ ظفار هم مهم است، اما به نظر من آن چیزی که باعث شده به‌عنوان یک فاکتور اساسی در روابط ایران و عمان نقش آفرینی مثبت داشته باشد، ثبات در سیاست طرف عمانی است. اگرچه قبل از انقلاب اسلامی ایران، روابط دو کشور پایدار بود، اما بعد از انقلاب نیز عمان همین روابط را به شکل حسنه و عمیق‌تر ادامه داد و حتی با تغییر دولت‌ها در ایران این روابط تحت‌الشعاع قرار نگرفت؛ کماینکه در دوره جنگ ایران و عراق، این روابط ادامه پیدا کرد، بعد از جنگ و در دوره سازندگی، اصلاحات و دیگر دوره‌ها هم این روابط



بدون فراز و نشیب و به شکل حسنه ادامه یافت. حتی در دوره تحریم نیز اتفاقی برای مناسبات تهران و مسقط روی نداد. این نشان می‌دهد که طرف عمان یک سیاست خارجی منطقی، باثبات، هوشمند، منعطف و دیپلماتیک را در دستور کار دارد و در طول دهه‌های گذشته به شکل جدی ثابت کرده است که یک دوست بسیار خوب و قابل اعتماد برای ایران خواهد بود و این برخلاف مشی سیاسی بقیه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است. فراموش نکنیم که این کشورها مثلا در دوره جنگ یا در دوره برجام و تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران عمل کردند.

❧ ولی سلطان قابوس اولین مقام عربی حاشیه خلیج فارس بود که بنیامین نتانیاهو را به عمان دعوت کرد!

بله، حرف شما درست است. ولی من نمی‌خواهم به زوایا و ابعاد پشت پرده این اقدام مرحوم سلطان قابوس ورود کنم. در آن زمان فشارهای آمریکا، فشارهای منطقه‌ای و مسائل دیگری دخیل بودند. ضمن اینکه بسیاری از کشورها اکنون در منطقه روابط رسمی دیپلماتیک با اسرائیل دارند. از ترکیه گرفته تا بحرین، امارات و دیگر کشورها که روابط اقتصادی، تجاری، دیپلماتیک، فرهنگی و... با اسرائیل دارند. اما این پارامتری بر این نبوده که ایران بخواهد روابط خود را با این کشورها کنار بگذارد. مثلا روابط کاملا عمیق و حسنه‌ای بین ایران و ترکیه وجود دارد.

❧ با وجود نکات شما، سفر نتانیاهو به عمان معادلات دیگری را در یک سطح دیگر رقم زد.

بله، ولی باید به شرایط آن دوره برگردیم. جارد کوشنر،

نگاهی به کارنامه عمان و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در مذاکرات هسته‌ای در گفت‌وگویی با محمداصلح صدقیان

دیپلماسی عربی؛ رؤیای ثبات در بزنگاه هسته‌ای

داماد دونالد ترامپ، بازیگر بسیار مهمی در ترسیم معادلات منطقه‌ای در دولت اول ترامپ بود. درست است که نتانیاهو به عمان سفر کرد، اما در آن زمان کوشنر و بسیاری کشورهای دیگر سعی کردند که عمان را وارد معادلات عادی‌سازی روابط با اسرائیل کنند. اما در نهایت عمان این را نپذیرفت. من خبر دارم که در دوره اول دونالد ترامپ، کوشنر چندین بار خواست به عمان سفر کند تا این اتفاق روی دهد، اما سلطان عمان در آن زمان از این سفر سر باز زد و از استقبال کوشنر امتناع کرد و در نهایت کوشنر نتوانست عمان را تشویق کند که روابط رسمی با اسرائیل داشته باشد.

❧ از سیاست خارجی عمان به سمت سیاست خارجی کشورهای عربی منطقه برویم. اشاره داشتید که در برهه‌هایی، این بازیگران سیاست‌های نه‌چندان مثبتی در قبال ایران داشتند. اما اکنون با آغاز مذاکرات هسته‌ای بین ایران و آمریکا، همین کشورهای عربی به شکل جدی به دنبال تداوم مذاکرات چهار تریلیون‌دلاری جدید با آمریکا و مسائلی از این دست و حصول توافق هستند. به باورتان چه فاکتورهایی باعث این تغییر بارادایم در کشورهای حاشیه خلیج فارس شده است. آیا بحث برنامه‌های بلندمدت اقتصادی و تجاری و توافقات چهار تریلیون‌دلاری جدید با آمریکا و مسائلی از این دست باعث شده است که شاهد فصل جدیدی از نگاه این بازیگران به تهران باشیم؟

به باور من این سؤال شما کامل نیست.

❧ چطور؟

چون به نظر من اکنون هر دو طرف، یعنی هم کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و هم ایران نگاه کاملا متفاوتی به همدیگر پیدا کرده‌اند. ابتدا روی کشورهای حاشیه خلیج فارس متمرکز شویم، نکته شما کاملا درست است. این کشورها برنامه‌های بلندمدتی در حوزه اقتصادی، تجاری، انرژی و... برای خود تعریف کرده‌اند. همین هفته گذشته دونالد ترامپ به عربستان، قطر و امارات سفر کرد و چهار تریلیون دلار توافق‌نامه تجاری بین آنها امضا شد. پس قطعا این توافقات و برنامه‌های تجاری برای آنکه محقق شود، به یک زمینه و فضای امن نیاز دارد. تازمانی که مشکل تحریم‌های ایران حل نشود و همچنین مذاکرات هسته‌ای بین تهران و واشنگتن به نتیجه نرسد، این فضای امن در منطقه شکل نخواهد گرفت. محمد بن سلمان برای خود پروژه ۲۰۳۰ را تعریف کرده است و می‌داند که تازمانی که روابط تهران-ریاض به یک نقطه باثبات نرسد، نمی‌تواند این پروژه را محقق کند. همین قراردادهای چهار تریلیون‌دلاری بین آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌عنوان کاتالیزور عمل کرده است. هم نگاه دونالد ترامپ به ایران تغییر پیدا کرد و دیگر

روی موضوع گزینه نظامی مانور نمی‌دهد و هم کشورهای حاشیه خلیج فارس را بیش از گذشته تشویق کرده که مذاکرات بین تهران و واشنگتن ادامه پیدا کند. در همین سفر به منطقه، ترامپ گفت که من به ایران حسادت می‌کنم که دوستان خوبی در قطر دارند که منظورش شیخ تمیم بن احمد آل ثانی (امیر قطر) بود. اما در طرف ایرانی هم این نگاه تغییر کرده است. ما در برهه‌ای شاهد بودیم که سیاست خارجی ایران، یک سیاست خارجی مبتنی بر روابط با اروپا و آمریکا بود و این ادعا مطرح می‌شد که اگر باک‌خدا ببندیم، دیگر بازیگران خودشان به سمت تعمیق روابط با ایران خواهند رفت. به‌همین دلیل در آن برهه سیاست خارجی منطقه‌ای ایران به‌شدت تضعیف شد و عملا روابط ایران با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به حاشیه رفت. اما اکنون سیاست خارجی کاملا تغییر پیدا کرده است.

❧ ولی نقطه آغاز آن از دولت سیزدهم و تلاش‌های مرحوم امیرعبداللهیان بود که به دولت چهاردهم رسید....

بله، آن مسئله هم مطرح است. مرحوم شهید رئیسی و شهید امیرعبداللهیان تلاش‌های خود را برای احیای سیاست خارجی منطقه‌ای ایران داشتند، اما منظور من چیز دیگری است. ببینید به طور مشخص در دولت آقای پزشکیان، آقای عراقچی به‌عنوان وزیر امور خارجه اهتمامی ویژه و جدی برای تقویت مناسبات خود با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس داشته و دارد که شایسته تقدیر است. هم در موضوع جنگ غزه شاهد سفرهای مداوم عراقچی به کشورهای عربی بودیم و هم اینکه در موضوع مشخص مذاکرات هسته‌ای، آقای عراقچی مرتبا در حال سفر به کشورهای حاشیه خلیج فارس هستند و سعی می‌کند آنها را هم در جریان روند مذاکرات با طرف آمریکایی قرار دهد و این برای کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌شدت مهم و قابل اعتنا است. درحالی‌که در دوره آقای ظریف این‌گونه سیاست خارجی وجود نداشت. عملا در دوره آقای ظریف این کشورها کنار رفته بودند، چه در زمان قبل از برجام و چه در زمان بعد از برجام، سفری به این کشورها انجام نمی‌شد. یکی، دو سفر آن‌هم به صورت نمایشی که خیلی عمیق نبود. اما آقای عراقچی مرتبا با این کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در ارتباط است و آنها را در جریان مذاکرات هسته‌ای قرار می‌دهد.

❧ احیای روابط با عربستان هم مهم بود....

نه، موضوع چیز دیگری است. ما در دوره ظریف هم روابط با عربستان داشتیم، اما به آن اهمیت نمی‌دادیم و اعتنا نمی‌کردیم. اما اکنون آقای عراقچی یک سیاست جدید را در دستور کار قرار داده است. دیپلماسی فعال منطقه‌ای توأم با احترام برای کشورهای حاشیه خلیج فارس قائل است. من هفته گذشته در ابوظبی بودم و این را در گفت‌وگو با «شرق» مطرح می‌کنم، در دیداری که با مقامات اماراتی داشتم، از این سیاست خارجی آقای عراقچی به‌شدت استقبال می‌کنند که اهتمام ویژه‌ای برای بازیگران عربی حاشیه خلیج فارس قائل است.

لونژین

Elegance is an attitude
LONGINES

SARMAN Co.

شرکت سرمان

1832 Dr. Shariati Ave. Next to Pol-E-Roomi Tehran IRAN



CONQUEST